

Factors Affecting the Conservation of the Historic Fabrics

Mostafa Pourali^{1*}

1. Assistant Professor of Architecture, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Article Info

Received: 28 April. 2020;
Accepted: 30 June. 2020;
Published Online 2020/07/1

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Mostafa Pourali

Assistant Professor of
Architecture, Islamic Azad
University, Tehran, Iran

ABSTRACT

The provisions of the international conservation charter make it clear that the use of the term conservation in historical fabrics relates to the fact that such biological textures, while having accepted and fundamental values, have no suitable environmental conditions and are threatened with serious risks. The present paper tried to explain and interpret the components that are effective in protecting these biological textures in a strategic manner using a field method. The results showed that if conservation of historical textiles is to form comprehensively based on the principles and values of the historical context and to remain stable, it is necessary to consider the two components of political economy of space, and social consensus on the conservation issue. Strategic planning for the management and control of these two components is based on the analysis of the strength and weakness of internal factors of the texture, and the assessment of the opportunity and threat of external factors of the texture, with an emphasis on prioritizing and protecting the prominent values of the strategy recommended in this paper. The results of the contextual conservations of this paper can be construed that although the valueless modernizations influenced by the political economy of space in historical textures are in "greater opposition to values," the lack of understanding of the outstanding values of historical textures and the lack of legal agreements play a more dramatic role in the "plurality of worthless renovations" in historical textures; renovations that take place in sharp contrast with shape and pattern of historical textures from the point of view of altitude, occupation levels and density, are generally taking advantage of the strength of the space's political economy. However, the number of anti-value building units affected by this factor in these historical textures are less than the number of valueless buildings that were formed due to the ignorance of designers, operators and law enforcers from historical textures' values.

Keywords: Historic fabrics, Conservation, Political economy of space, Social consensus and understanding

Copyright © 2020. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Pourali M. Factors Affecting the Conservation of the Historic Fabrics. *Conserv Histo Area*. 2020; (1):26-38



مقاله پژوهشی

مؤلفه‌های مؤثر بر حفاظت بافت تاریخی

 مصطفی پورعلی*^۱

۱. استادیار معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله	خلاصه
دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۹	از مفاد منشورهای بین‌المللی حفاظت این گونه برمی‌آید که کاربرد واژه حفاظت در امور مرتبط با بافت تاریخی از این باب صورت می‌پذیرد که این بافت‌های زیستی در عین داشتن ارزش‌های پذیرفته و بنیادین دارای شرایط محیطی مناسب نبوده و خطراتی جدی آنها را تهدید می‌کند. نوشتار پیش رو به دنبال آن است که در نگاهی راهبردی و در روشی زمینه‌ای مؤلفه‌های مؤثر بر حفاظت این بافت‌های زیستی را تبیین و تفسیر کند. اگر حفاظت از بافت‌های تاریخی می‌خواهد به صورت جامع و استوار بر اصول و ارزش‌های بافت تاریخی شکل بگیرد و پایدار بماند نیازمند در نظر گرفتن دو مؤلفه اقتصاد سیاسی فضا و تفاهم و توافق اجتماعی در امر حفاظت است. برنامه‌ریزی راهبردی برای مدیریت و کنترل این دو مؤلفه مبتنی بر تجزیه و تحلیل قوت و ضعف عوامل درونی بافت و ارزیابی فرصت و تهدید عوامل بیرونی بافت با تأکید بر اولویت‌بندی و حفاظت از ارزش‌های برجسته راهبردی توصیه شده در این نوشتار است.
پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۰	هر چند نوسازی‌های بی‌ارزش متأثر از عامل اقتصاد سیاسی فضا در بافت‌های تاریخی «ضدیت بیشتری با ارزش‌ها» دارد، فقدان تفاهم بر ارزش‌های برجسته بافت‌های تاریخی و کمبود توافقات قانونی در این زمینه در «کثرت نوسازی‌های بی‌ارزش» در بافت‌های تاریخی نقش چشمگیرتری دارد. نوسازی‌هایی که از منظر ارتفاع، سطوح اشغال و تراکم در تضاد جدی با شکل و الگوی ارزشمند بافت‌های تاریخی شکل گرفته و می‌گیرد عموماً با بهره‌گرفتن از قدرت اقتصاد سیاسی فضا ایجاد شده و می‌شود. با این حال تعداد واحدهای ساختمانی ضدارزش ایجاد شده متأثر از این عامل در این بافت‌های تاریخی میزان کمتری از تعداد ساختمان‌های بی‌ارزشی دارند که به دلیل ناآگاهی طراحان، بهره‌برداران و مجریان قانون از ارزش‌های بافت تاریخی شکل گرفته و می‌گیرد.
انتشار آنلاین: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱	
نویسنده مسئول: مصطفی پورعلی استادیار معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران	

کلیدواژه‌ها: بافت تاریخی، حفاظت، اقتصاد سیاسی فضا، تفاهم و توافق اجتماعی.

حق کپی رایت انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (باز ترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

مقدمه

پژوهش این نوشتار به جای رونوشت‌برداری محض از گفته‌ها به عبارات کلیدی و مرتبط و رمزگذاری تحلیلی و تفسیری گفت‌وگوها پرداخته شده است. تلاش شده تا با بهره‌گیری از تجارب واقعی نگارنده در پرتو استدلالی قیاسی در بستری از گفت‌وگوهای زمینه‌ای با صاحبان تجربه در امر حفاظت بافت‌های تاریخی ایران تفسیر بهتری از مؤلفه‌های مفروض ارائه شود.

پرسش‌های این نوشتار از این قرار است:

۱. مؤلفه‌های مؤثر بر حفاظت بافت‌های تاریخی کدامند؟
۲. حفاظت از ارزش‌های این بافت‌های زیستی متأثر از چه عواملی است؟
۳. راهبرد مواجهه با این عوامل چیست؟

بافت تاریخی به‌واسطه داشتن صفت تاریخی ارزشی فرهنگی در مقیاس ملی و گاه جهانی دارد. صفت تاریخی ضمن اعطای ظرفیت تغییرپذیری زمان را برای بافت تاریخی واجد ارزشی فرهنگی، اجتماعی و مدنی می‌کند. تاریخ در صفت بافت تاریخی می‌تواند هم گذر طولی زمان را واگویی کند و هم البته تاریخ معنادار و خاطره‌انگیز مکان را غنا بخشد. حفاظت از این دست از بافت‌های زیستی به‌مثابه میراث و ثروتی فرهنگی نیازمند شناخت ارزش‌ها و مؤلفه‌های مؤثر بر حفاظت ارزش‌ها و البته تبیین راهبردی مسائل مرتبط با آن است. مباحث مرتبط با تفاهمات، توافقات اجتماعی و اقتصاد سیاسی فضا در نوشتار پیش رو در روشی زمینه‌ای بررسی شده و به‌عنوان عوامل مؤثر بر حفاظت ارزش‌های بافت تاریخی تبیین می‌شود. در روش

ادبیات پژوهش

بافت تاریخی و مکان لطیف

مکان عموماً مفهومی است که تعریف آن از ارتباط با چیزی که در آن حاصل می‌شود (دهخدا، ذیل مدخل) و چنین به نظر می‌رسد که در نگاه تاریخی هر یک از موجودات مکان ویژه خود را دارند. عین‌القضات همدانی^۱ در رساله^۱ / الامکنه و الازمنه از ارتباط ذاتی بین «مکان» و وجود موجودات سخن گفته است. عین‌القضات مکان را به سه بخش کلی جسمانیات، روحانیات و مقدس حق تعالی تقسیم می‌کند. مکان جسمانیات از نظر او به سه بخش جسمانیات کثیف، لطیف و الطف تقسیم می‌شود. مکان روحانیات نیز انواع بسیار دارد و مکان حق تعالی که کسی را بدان راه نیست (عین‌القضات همدانی، ۱۳۹۳). از فحوای سخن این عارف نامی چنین برمی‌آید که برخلاف مواجهه عصر مدرن با مقوله مکان که آن را از جنبه‌های کیفی آن و حتی ارتباط ذاتی‌اش با موجودات و چیزهای درون آن خالی کرده است، مکان به‌واسطه تاریخ، روایت‌ها و فراروایت‌ها این امکان را دارد که به شأن و جایگاهی لطیف و لطیف‌تر تبدیل شود؛ رخدادی که در بافت تاریخی ظهور می‌کند.

بافت تاریخی بخشی از مکان و البته ارزشمندترین نوع مکان و به‌عبارتی می‌توان گفت مکانی لطیف است؛ چراکه این نوع بافت مسکون به‌واسطه داشتن صفت تاریخی بخشی از مکان است که ارزشی فرهنگی در مقیاس ملی و گاه جهانی دارد. مکان در بافت تاریخی به‌دلیل گذر تاریخ ارزشی مضاعف دارد. هرچند زمان ذاتی هر مکانی است، اما صفت تاریخی زمان را برای مکان واجد ارزشی فرهنگی، اجتماعی و مدنی می‌کند. تاریخ در صفت بافت تاریخی می‌تواند هم گذر طولی زمان را واگویه کند و هم البته تاریخ معنادار و خاطره‌انگیز مکان را غنا بخشد. زمان در مکان بافت تاریخی معنادار و در نسبت وثیق با جغرافیای طبیعی قرار می‌گیرد. تعیین زمان برای اهالی مکان در بافت‌های تاریخی^۲ برخلاف عصر ساعت‌های مکانیکی و تقویم‌های استاندارد جهانی که موجب شد زمان بدون ارجاع به شاخص‌های مکان و حتی رویدادهای تاریخی تعیین شود (گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۸)، عموماً از توجه به عناصر طبیعی مکان نظیر غروب و طلوع خورشید تعیین می‌شده است.

بافت تاریخی از ترکیب دو واژه «تاریخ» و «بافت» تشکیل شده است. واژه «بافت» در لغت به انسجام تاروپودی گسترده در یک بستر اشاره دارد. فرهنگ معین ویژگی‌های یک بافت (بافته) را انجام عمل مشترک توسط اجزای بافت می‌داند (معین، ۱۳۸۸). منشور بورا استرالیا که به تأیید ایکوموس جهانی^۳ رسیده است واژه «fabric» که در فارسی عموماً معادل «بافت» ترجمه می‌شود را شامل همه مواد فیزیکی و کالبدی مکان از جمله اجزای سازنده و ایستا، محتویات، ظروف و عناصر محسوس مکان می‌داند. بر اساس تعریف این منشور، مواد فیزیکی موضوع حفاری‌های باستان‌شناسانه نیز در زمره fabric قرار می‌گیرد (Burra Charter, 2013). بررسی تطبیقی تعریف این منشور و مطالب گفته‌شده نشان می‌دهد که چندان قرابت معنایی میان این دو واژه یعنی «fabric» و «بافت» وجود ندارد. مفهوم واژه fabric بیشتر به کلیت مصنوعات و دست‌ساخت‌های تاریخی «فابریک» بشری اشاره دارد و چندان توجهی به مفهوم بافته‌شدگی اجزای شهرها و روستاهای تاریخی، که بی‌شک بسیار مهم است، نمی‌کند.^۴ با این حال برخلاف برخی از صاحب‌نظران که کاربرد این واژه را غیر علمی می‌دانند باید گفت توجه به مفهوم بافته‌شدگی در واژه «بافت تاریخی» غنای ادبیات تخصصی این موضوع را در ایران نشان می‌دهد و می‌تواند به تبیین‌های بهتری نیز دست یابد. البته شاید بتوان قرابت معنایی واژه «بافت» را در معنای «integrity» که از شاخصه‌های تعیین یک اثر در میراث جهانی است (Gullino & Larcher, 2013) و در معنای یکپارچگی و پیوستگی به کار می‌رود، جست‌وجو کرد.

اجزای بافتی همچون پارچه تار و پودی یکپارچه است که با رنگ و جنسی خاص در کنار هم طرحی منسجم را می‌افکنند و اولین فرض پایداری‌اش آن است که تار و پودش گسسته و پاره نشود. به‌عبارتی سخن از «بافت تاریخی» و یکپارچگی اجزای یک پهنه کالبدی در بستری گسترده و عمیق است، با این توضیح که در شکل‌گیری و پایداری بافت تاریخی نه تنها اجزای کالبدی سه‌بعدی بلکه فعالیت‌ها و لایه‌های معنایی پس‌ظاهر کالبدی نیز در انسجام تار و پود بافت نقش مهمی ایفا می‌کند. شاخه‌های درهم‌آمیخته بافت تاریخی ذات هماهنگ

^۴ fabric / فابریک می‌تواند یک بافت تاریخی و حتی محوطه‌ای باستانی خارج از بافت تاریخی را نیز شامل شود. چنانچه به کاربرد واژه فابریک در افواه عموم دقت کنیم موضوع قابل‌فهم‌تر خواهد بود.

^۱ عارف و متفکر ایرانی (۵۲۵-۴۹۲ هـ ق)

^۲ اهالی مکان یعنی کسانی که احساس تعلق به مکان دارند. به قول هایدگر فضا باشگاهشان شده است.

^۳ icomos - شورای بین‌المللی حفاظت از بنای محوطه‌های تاریخی.

لازمه حضور و سکونت انسان در زمین دانسته است. امری که آزادی^۸ و آرامش^۹ واقعی را برای آدمی به همراه دارد (Heidegger, 1971). هایدگر از واژه Schonon استفاده کرده است که در فارسی به درستی حفاظت ترجمه می‌شود (هایدگر، ۱۳۷۹).^{۱۰}

واژه «حفاظت» معادل واژه Conservation در ادبیات تخصصی معماری و شهرسازی و از واژگان بحث‌برانگیز میان صاحب‌نظران این حوزه است. تاریخ حفاظت معماری نشان می‌دهد که از دیرباز میان صاحب‌نظران نظریه‌مدرن حفاظت دیدگاه‌های موافق و مخالف برای به‌کارگیری واژه حفاظت و طبعاً مداخله مبتنی بر آن وجود داشته است (یوکیلهتو، ۱۳۸۷a). با این حال تأمل در واژه «حفظ» و «حفاظت» و کاربرد آن جالب است. دهخدا «حفظ» را مصدری عربی و «بازداشتن شیئی از زیان و هلاک» معنی کرده است (دهخدا، ذیل مدخل).^{۱۱} کاربرد واژه حفظ در ترکیباتی نظیر حفظ اسرار، حفظ آیات قرآن، حفظ عهد، جان و ناموس نیز نشان از این می‌دهد واژه حفاظت عموماً زمانی به کار می‌رود که موضوع حفاظت در شرایط غیرطبیعی و آسیب‌زا از قبیل فراموشی، تعرض، از بین رفتن و نابودی قرار دارد؛ به عبارتی چنانچه چیزی ارزشی ویژه و مهم داشته باشد و شرایط محیطی آن چیز در گستره کالبدی، کارکردی و معنایی خطرآفرین برای تداوم وجودی چیز باشد، از واژه حفظ و حفاظت استفاده می‌شود. امروزه نیز از مفاد منشورهای بین‌المللی حفاظت این گونه برمی‌آید که کاربرد واژه حفاظت در امور مرتبط با بافت تاریخی از این باب صورت می‌پذیرد که این دست از بافت‌های زیستی در عین داشتن ارزش‌های پذیرفته و بنیادین شرایط محیطی مناسبی ندارند و خطراتی جدی آنها را تهدید می‌کند.

باید تأکید کرد «حفاظت» در معنای اصیل نباید صرفاً معطوف به کالبد تفسیر شود، برای مثال آن‌گاه که می‌گوییم: «خداوند شما را حفظ کند» بی‌شک منظور حفاظت از آینده، اعتبار و هرآنچه که در حوزه معنا و میراث ناملموس نیز می‌تواند تعریف شود، خواهد بود و احتمالاً به همین دلیل است که در طرح‌های جامع حفاظت^{۱۲} به بافت‌های تاریخی سطح و

بافت تاریخی را نشان می‌دهد. عناصری که به صورت ارگانیک و در طول زمان شکل گرفته و البته هم پیوند هستند و یکدیگر را کامل می‌کنند. بافت تاریخی به‌مثابه متن و لوحی نگاشته در گذر زمان نیازمند بازخوانی روایت‌ها و لایه‌های درونی آن است (شعله، ۱۳۹۰). به‌نحوی که شناخت صحیح آن بدون رمززدایی از پرده‌های معنایی آن راه به جایی نمی‌برد. هر آنچه که ارزشمند و نیازمند حفاظت است.

ارزش و حفاظت از بافت تاریخی

عموماً میان ارزش‌های ذهنی و عینی، ابزاری و نمایی، ذاتی و عرضی، زیبایی‌شناسی و اخلاقی پدیده‌ها دسته‌بندی‌های فلسفی صورت می‌گیرد و اختلاف دیدگاه‌هایی وجود دارد (تامس، آلن، ۱۳۸۳). فارغ از دیدگاه کسانی که بافت‌های تاریخی را بی‌ارزش می‌دانند! متأثر از دسته‌بندی‌های فلسفی گفته‌شده می‌توان پرسید: آیا بافت‌های تاریخی ارزش ذاتی دارند یا به این دلیل ارزشمندند که ابزاری برای شناسایی یا دستیابی به امر ارزشمند دیگری هستند؟^۵ به نظر می‌رسد دست‌کم مبتنی بر مفاد منشور ونیز (THE VENICE CHARTER 1964) در باب ارزش‌های میراث فرهنگی می‌توان حد میانه را گرفت. در این منشور برای تبیین ارزشمندی آثار تاریخی و فرهنگی از عبارت «living witnesses» به معنای «شاهدان زنده» استفاده شده است. شاهدان زنده از چیزهایی که به تأسی از هایدگر می‌توان گفت — به هر دلیلی امروزه دیگر «در دست» نیستند و در «پیش‌دست»^۶ قرار گرفته‌اند (هایدگر، ۱۳۸۲). بافت‌های تاریخی شاهدانی هستند که دست‌کم شهادت می‌دهند بشر در طول تاریخ چگونه با مکان زیستش مواجه شده و چه عبرت‌هایی از آن گرفته است. در سنت اسلامی شاهدان جایگاه رفیعی دارند و به‌واسطه شأن رفیضان در مقام سوگند قرار می‌گیرند (قرآن کریم، بروج، آیه ۳).^۷ شاهدانی ارجمند که بی‌شک نیازمند حفاظت هستند. بدیهی است آدمی برای زیستن نیاز به مداخله در مکان دارد، اما این مداخله چگونه باید باشد. لازم است بدانیم فیلسوف شهیر پدیدارشناس، مارتین هایدگر، در معنایی ژرف، امر «حفاظت» را

۵. برای اطلاعات بیشتر رک. حجت، ۱۳۸۰: ۸۹.

۶. هایدگر در مقاله «سراغاز کار هنری» موجود «پیش دست» (Vorhanden) را که انسان با آن مواجهه و برخوردی صرفاً نظری و تئوریک دارد مقابل چیزهایی نهاده است که «در دست» (Zuhanden) قرار دارد. او تبیین می‌کند چیزهای در دست زمانی پیش دست قرار می‌گیرد که دیگر در دست نیست (هایدگر، ۱۳۸۲).

۷. «سوگند به شاهد و مشهود».

۸. «in real sense» free.

۹. peace

۱۰. لازم به یادآوری است که Schonon آلمانی در انگلیسی به preserving و sparing ترجمه می‌شود.

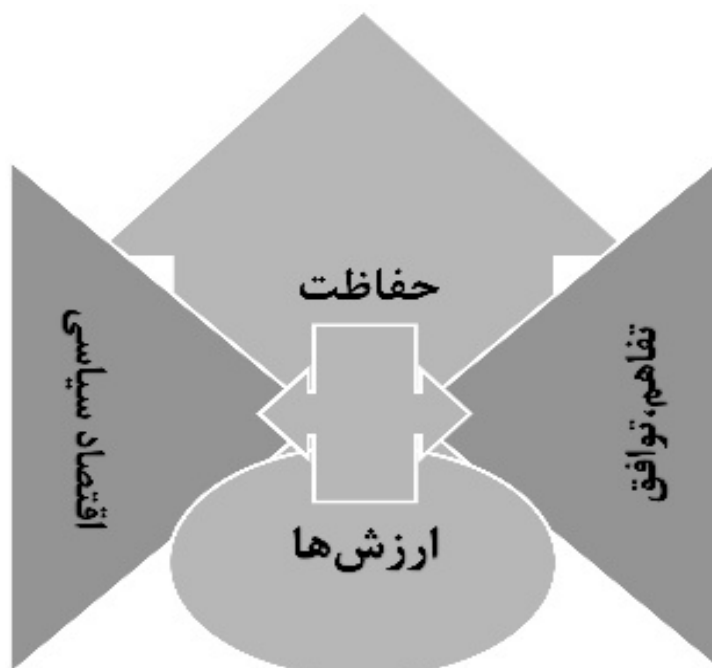
۱۱. دیگر فرهنگ‌های لغات در زبان فارسی و دیگر زبان‌ها نیز در تعریف واژه حفظ و conservaton به همین شرایط اشاره کرده‌اند (معین، ۱۳۸۸).

۱۲. self control.

روش پژوهش

برای شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر حفاظت ارزش بافت‌های تاریخی و دستیابی به نگاهی راهبردی از مؤلفه‌های مؤثر بر آن تلاش شده تا ضمن مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای به روش زمینه‌ای – که گونه‌ای از مطالعات کیفی به روش استقرایی است – نیز استفاده شود. منابع پژوهش در این روش مصاحبه‌ها، مشاهده مشارکتی و غیرمشارکتی پژوهشگر، تجارب شخصی، ادبیات نظری موجود و البته مقایسه آنها در حوزه‌های مکانی مختلف است (لک، ۱۳۹۲). برای این منظور پیش فرضی از مؤلفه‌ها توسط نگارنده تهیه و با ۳۰ صاحب‌نظر در حوزه بافت‌های تاریخی در میان گذاشته شد. در این روش که مبتنی بر مواجهه پدیدارشناسانه با پدیده‌هاست (گروت و وانگ، ۱۳۸۶)، تبیین بهتر مؤلفه، میزان و اهمیت اثرگذاری هر یک از مؤلفه‌ها در گفت‌وگوهای زمینه‌ای بحث و بررسی شد. همان‌طور که در روش پژوهش زمینه‌ای توصیه می‌شود در این فرایند نیز به‌جای رونوشت برداری محض از گفته‌ها به عبارات کلیدی و مرتبط در پاسخ‌های دریافتی اشاره و رمزگذاری (فتحی، ۱۳۹۱). مؤلفه‌های در نظر گرفته شده در پیش فرض که بر اساس تجارب واقعی نگارنده و بررسی‌های کتابخانه‌ای به دست آمده عبارت است از دو عامل تأثیرگذار: (۱) تفاهمات و توافقات اجتماعی و (۲) اقتصاد سیاسی فضا که نقش مؤثری بر حفاظت از ارزش‌های بافت‌های تاریخی داشته و دارد (شکل ۱).

لایه‌های گسترده‌ای از معانی و موارد ناملموس بافت نیز باید توجه شود. بدیهی است حفاظت میراث فرهنگی به هر صورت و در هر دوره تاریخی ریشه در ارزش‌های منسوب به این میراث دارد و درک ارزش‌های فرهنگی با نقشی بنیادین در همه بررسی‌های علمی برای برنامه‌ریزی حفاظت همه محدودده‌های میراث جهانی و فرهنگی است (فردانش، ۱۳۸۷). با این حال می‌دانیم حفظ و احیای بافت‌های تاریخی متأثر از مؤلفه‌های پیچیده‌ای است که ضروری است با واقع‌بینی همان‌طور که منشور واشنگتن (منشور واشنگتن، ۱۳۸۲) تأکید می‌کند مقوله حفاظت را به صورت جامع و استوار به اصول و ارزش‌های بافت تاریخی با در نظر گرفتن عوامل مؤثر بر حفاظت از جمله عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی صورت پذیرد. موضوعی که تلاش شده است در این نوشتار به شکلی راهبردی مدنظر قرار گیرد. نگاه راهبردی نگاهی است واقع‌بینانه به برنامه‌ریزی منطبق بر آرای مخاطبان طرح (گل محمدی و همکاران ۱۳۹۲) و مبتنی بر تجزیه و تحلیل قوت و ضعف محیط درونی، ارزیابی فرصت و تهدید محیط بیرونی سازمان موضوع برنامه‌ریزی (فروزنده دهکردی، ۱۳۷۸). بدیهی است برای اجرای راهبردها مبتنی بر حفاظت ارزش‌ها تبدیل ارزش‌ها به باور و رفتار فردی و اجتماعی و نهادینه‌سازی ارزش‌های مشترک برای همه ذی‌نفعان ضروری خواهد بود (مبینی و ربانی ۱۳۹۱).



شکل ۱. اقتصاد سیاسی فضا / تفاهم و توافق اجتماعی / حفاظت از ارزش‌ها

مؤلفه‌های مؤثر بر حفاظت از بافت تاریخی تفاهمات و توافقات اجتماعی

تفاهمات و توافقات ضمنی که از دیرباز نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی بافت‌های تاریخی داشته‌اند، مرحله‌ای از روابط اجتماعی است که باید پیش از تحقق توافق رسمی، یعنی اموری که می‌تواند از طریق مراجع حقوقی قابل پیگرد قرار گیرد، انجام شود. تفاهم اجتماعی یا توافق ضمنی به اموری اشاره دارد که چندان رسمی نبوده، ولی به طور طبیعی و ارگانیک قابل احترام و مراعات آن از سوی افراد لازم‌الاجراست (فلامکی، ۱۳۹۳). هرچند توافقات رسمی که در چارچوب قوانین مدون شده‌اند، مهم‌ترین و شاید تصریح‌شده‌ترین بخش توافقات اجتماعی است، اما تفاهمات و توافقات ضمنی نقش مؤثرتری بر پیشبرد حفاظت از بافت‌های تاریخی دارند. در حفاظت مبتنی بر تفاهم و توافقات ضمنی و نظم نشئت گرفته از آن نظارت اجتماعی بیشتر مبتنی بر احساس خجالت و تقصیر است تا احساس ترس و بیم، زیرا در چنین نظامی سلوک و منش افراد بر اساس تعهد درونی و تمایل به خود تنظیمی^{۱۲} صورت می‌گیرد و البته در بسیاری از موارد رعایت این هنجارهای وفاقی (نظم وفاقی) می‌تواند ماهیتی مقدس نیز به خود بگیرد (چلبی، ۱۳۷۲).^{۱۳} تفاهم اجتماعی امری درونی بوده و (دست‌کم در زمان تفاهم) کاملاً با میل و رضایت و به صورت طبیعی و همدلانه انجام می‌پذیرد. امری که می‌توان به تاسی از وبر (۱۳۹۰، ۲۲) از آن به‌عنوان «تفهم همدلانه» یاد کرد و بدیهی است سیر از تفاهم به توافق سیری منعطف و متصل است و نمی‌توان آن را کاملاً منقطع و منفصل دانست.

امروزه با طرح و پذیرش موضوعاتی همچون میراث جهانی بشر و امکان نظارت‌های گسترده مجازی و رسانه‌ای تفاهمات و توافقات اجتماعی برای حفاظت از ارزش‌های بافت تاریخی گسترش پیدا کرده، به نحوی که بسیاری از بافت‌های تاریخی روستایی و شهری با نظارت کمیته‌های میراث جهانی و دیدگاه‌های نافذ صاحب‌نظران بین‌المللی حفاظت از سراسر دنیا مدیریت می‌شوند. اجماع نظر کارشناسان و صاحب‌نظران در حوزه جهانی بر تلقی این‌که میراث فرهنگی هر ملتی میراث جهانی بشر است، از دهه‌های میانی قرن بیستم تاکنون رفته‌رفته تقویت شده (چراغچی، ۱۳۷۹) و با تدوین

منشورهای جهانی حفاظت تشکیل نهادهای بین‌المللی مرتبط با این موضوع پذیرفته شده است که حفاظت از بافت‌های تاریخی صرفاً مرتبط با ساکنان یک مکان تاریخی نیست، بلکه در بسیاری از موارد امر حفاظت از مکان‌های تاریخی نیازمند تفاهم و توافق در مقیاس ملی و فراملی است. با این حال همچنان تأکید شده است که اولویت حفاظت بر عهده اهالی مکان تاریخی است که در سطوح تفاهمات و توافقات اجتماعی^{۱۴} بروز می‌یابد. با این حال می‌دانیم قدرت اقتصادی - سیاسی، چگونگی نگرش و اولویت‌بندی حاکمیت‌های محلی به ارزش‌ها و برجسته کردن آنها از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند بر توافقات و تفاهمات اجتماعی تأثیر گذاشته و حفاظت از ارزش‌ها را دچار چالش کند. تخریب گسترده بافت‌های تاریخی پیرامون مسجدالحرام در عربستان از یک‌سو^{۱۵} و دستور بازسازی عین‌به‌عین روستای تاریخی الدرعیه از سوی دیگر توسط آل سعود (وارن، ۱۳۸۷) نمونه چینی تأثیرگذاری‌هایی است.

اقتصاد سیاسی فضا^{۱۶}

اقتصاد سیاسی در جایگاه حوزه‌ای میان‌رشته‌ای به روابط میان اقتصاد و سیاست می‌پردازد و به تأثیر عوامل غیراقتصادی نظیر نهادهای اجتماعی - سیاسی، اخلاق و جهان‌بینی در تعیین رخدادهای اقتصادی حساس است. به همین دلیل چارچوب تحلیلی آن وسیع‌تر از جریان غالب اقتصاد است (سعیدی صابر، ۱۳۸۹). این حوزه در بستر اقتصاد سیاسی فضا تأکید دارد که عامل قدرت از طریق اقتصاد سیاسی، به‌ویژه متأثر از نظام دیوان‌سالار معاصر، نقش بسیار مؤثری بر شکل‌دهی به فضاهای زیستی با خلق تفاهمات و توافقات اجتماعی استوار بر ضدیت حفاظت از ارزش‌ها دارد. در اقتصاد سیاسی فضا در مورد نقش گروه‌ها و طبقات اجتماعی متنفذ بر الگوها و اشکال فضایی بحث می‌شود و تأثیر نهادهای قدرت و سرمایه در شکل‌گیری، انباشت سرمایه، تراکم بیش از اندازه شهرها، نابرابری‌های ناحیه‌ای و بی‌تعادلی مکانی - فضایی بررسی می‌شود (پیران، ۱۳۷۰؛ محملی، ۱۳۹۰).

از منظر اقتصاد سیاسی فضا می‌توان ملاحظه کرد که سیاست‌مداران، برای مثال نمایندگان مردم در مجالس قانون‌گذاری، خود را نماینده آرای مردم به شیوه

^{۱۵}. رک. خبرهای مربوط به تخریب بافت تاریخی اطراف مسجدالحرام طی دهه‌های اخیر از جمله در <http://fa.alalam.ir/news/1444736>

^{۱۶}. The Political Economy of Space

^{۱۲}. لعن‌نامه‌ها از نتایج چنین تفاهماتی است که رعایت نکردن امری اجتماعی را به عقوبت‌های اخروی منتج می‌کند.

^{۱۴}. Social Understanding در برابر Social Consensus

(افراخته و حجی‌پور، ۱۳۹۴) و از این طریق، ثروت فرهنگی بافت‌های تاریخی را در سطح سرمایه‌ای قابل معامله تنزل می‌داده‌ند. این جریان با سازوکارهای ویژه‌اش می‌تواند ماهیت و هویت ارزش‌ها در بافت‌های تاریخی را تغییر دهد؛ موضوعی که در اقتصاد هویت^{۱۸} نیز بررسی می‌شود (اکرلاف و کراتون، ۱۳۹۵). اهل اقتصاد از طریق اهل سیاست می‌توانند بافت تاریخی ارزشمند را بافت فرسوده بی‌ارزش جلوه دهند! در جمع‌بندی مقدماتی فرضیه پژوهش می‌توان گفت دو مؤلفه اقتصاد سیاسی فضا و تفاهمات اجتماعی با تأثیرگذاری بر تعریف، تعیین و دگرگونی ارزش‌ها^{۱۹} از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر حفاظت از بافت‌های تاریخی هستند.

بازخوانی مؤلفه‌های مفروض از طریق گفت‌وگوهای

زمینه‌ای

تلاش شده است که فرضیه پژوهش از طریق گفت‌وگوهای زمینه‌ای مذاقه کیفی بیشتری شود. حاصل گفت‌وگوهای زمینه‌ای صورت‌گرفته ضمن تأیید مفروض نوشتار پیش رو به تعمیم درونی مؤلفه‌ها کمک کرده است. دسته‌بندی و اولویت‌بندی ارزش‌ها، توجه مضاعف بر تفاهم و توافق اجتماعی به اقتصاد سیاسی فضا برای پیشبرد برنامه‌های حفاظت از بافت تاریخی از جمله نتایج این گفت‌وگوهاست.

ضرورت تفاهم و توافق اجتماعی بر ارزش‌های اصیل

و برجسته

از موانع حفاظت از ارزش‌ها در بافت‌های تاریخی چالش تضاد ارزش کالبدی و ارزش رضایت‌مندی ساکنان بافت تاریخی است. چالشی که به تحقق نیافتن تفاهم و توافق اجتماعی بر حفاظت ارزش‌ها می‌انجامد که از منظر مدیریت و برنامه‌ریزی‌های حفاظت اهمیت بالایی دارد. ارزش فرهنگی ممکن است در نتیجه تاریخ مستمر مکان عوض شود و درک آن ممکن است در نتیجه اطلاعات جدید تغییر یابد (یوکیلهتو، ۱۳۸۷b). از این رو ارزش‌های میراث فرهنگی به طور طبیعی متفاوت و در برخی از موارد تضادهایی نیز با هم دارند (نژادابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۲). فارغ از این‌که تضاد را از اصول و ارکان طبیعت و از شرایط پیدایش اشیا بدانیم که به بروز و ظهور امکانات جدید ماده و صورت‌های جدید آن منتج می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۸)، دیدگاه‌های مختلفی در باب تضاد ارزش‌ها

دموکراتیک دانسته و طبیعتاً انتظار دارند که نظراتشان در تعیین ارزش‌های برجسته فرهنگی و هنری دخیل باشد، از سوی دیگر اقتصاددانان نیز به دلیل نگاه مبتنی بر هزینه و فایده استدلال کارشناسان میراث فرهنگی را در صرف هزینه‌های بسیار برای حفاظت از آثار فرهنگی و ارزش‌های برجسته به امید فایده و بهره‌برداری از این موضوع در آینده نامشخص به چالش می‌کشند (پیکاک، ۱۳۸۲). این در حالیست که می‌دانیم عموماً اهل اقتصاد و سیاست به صورت غیرمتخصصانه در شناسایی و احیای موارث فرهنگی نقش ایفا می‌کنند (پینگناتارو و ریزو، ۱۳۸۲). فارغ از این امر نیز تجارب مداخلات در شهرها و بافت‌های تاریخی طی دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که اقتصاد سیاسی فضا در انحای مختلف بیش از آن‌که به مدیریت و حفاظت بهتر ارزش‌های بافت‌های تاریخی کمک کند در خدمت سود پیمانکاران و کارتل‌های اقتصادی بوده است. همان‌طور که هاروی می‌گوید: تحلیل‌هایی از منظر اجتماع و کار این شده است که نهایتاً سازمان‌دهی تولید و تحقق ارزش در جامعه در چنگ سرمایه مالی قرار گرفته است (هاروی، ۱۳۹۲). بسیاری از ایده‌های مدرنیستی را برای تخریب و نوسازی بافت‌های تاریخی می‌توان در حمایت‌های کارتل‌های اقتصادی و سیاسی جست‌وجو کرد که از مهم‌ترین آن‌ها ایده ساخت برج‌های مشعشع لوکوبوزیه برای مرکز تاریخی پاریس است که به دلیل حمایت مالی کمپانی هواپیماسازی و خودروسازی وازن به طرح وازن^{۱۷} موسوم بود (برنسی، ۱۳۹۶).

به‌عبارتی سرمایه و قدرت باید از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر حفاظت از بافت تاریخی قلمداد شوند. این دو عامل در حوزه ساخت‌وساز بواسطه منافع شرکت‌های پیمانکاری، مشاوره‌های طراحی، نظارت، چالشی جدی برای حفاظت بافت تاریخی ایجاد نموده‌اند و حافظت بافت را مانع سرمایه‌گذاری‌های ساختمانی خود می‌دانند. بدیهی است که پیمانکاران و سرمایه‌گذاران ساختمانی سود بیشتری از تخریب، آواربرداری و نوسازی در بافت‌های تاریخی می‌توانند به دست آورند. سرمایه و قدرت از این طریق جریان اقتصاد سیاسی حاکم بر فضا را شکل می‌دهند

¹⁸ . Identity Economics

¹⁹ . رک. شیروانی و همکاران، ۱۳۹۵.

¹⁷ . Le Plan Voisin. عنوان طرح وازن از نام گابریل وازن مؤسس این

کمپانی گرفته شده است. هواپیمای نظامی ساخت این کمپانی در جنگ اول جهانی بسیار مشهور بوده است.

می‌دانیم که برخی از ارزش‌ها نزد کارشناسان والاتر و برجسته‌تر است و اجماع بیشتری بر احراز آن ارزش در میان صاحب‌نظران وجود دارد. این موضوعی است که می‌توان بدان عنوان ارزش برجسته^{۲۳} را داد؛ عنوانی که تقرب معنایی دارد به اصطلاح برجستگی فرهنگی^{۲۴} که در میان اسناد بالادست حفاظت موارث فرهنگی از جمله منشور بورا استرالیا (Burra Charter, 2013) توجه شده است: «ارزش‌هایی که نسبت به دیگر ارزش‌ها برجستگی داشته و می‌تواند تغییر و تحولات طبیعی زمان از پایداری و منزلت داشته باشد».

جدول ۱. عبارات کلیدی تخلص از سه گفتگوی زمینه‌ای

برای حفاظت از بافت‌های تاریخی مسلماً با عوامل متعدد و متنوعی مواجه می‌شویم که در دو گروه عوامل مخل و عوامل مقوم حفاظت از بافت تاریخی جای می‌گیرند. گاهی این عوامل، اعم از مخل یا مقوم، ماهیت حقوقی دارد گاه اقتصادی یا اجتماعی یا ترکیبی از چند تای آنها.

در هر صورت همه اقدامات در بافت تاریخی باید برای حفظ و احیای ارزش‌ها عمل کنند. ارزش‌ها با هر درجه اهمیت باید حفظ و احیا شوند.

در شرایط فعلی که حفاظت بافت‌های تاریخی ایران دچار چالش‌های جدی است، به نظر می‌رسد ضمن حرمت‌گذاری و مستندسازی همه ارزش‌ها باید به اولویت‌بندی دست زد. اولویت‌بندی ارزش‌ها کار کارشناسان زبده و متخصص است.

فرهنگی مجموعه‌های تاریخی اعم از کالبدی، کارکردی و معنوی اشاره دارد.

«منشور مکزیک» که با موضوع گردشگری فرهنگی به تأیید ایکوموس رسیده تصریح می‌کند: مدیریت و ارتقای وضعیت مکان‌ها و مجموعه‌های عمده میراث فرهنگی باید به نحوی باشد که «اصالت»، که بازتاب آن در مصالح فیزیکی، حافظه جمعی و سنت‌های غیرمادی به‌جای‌مانده از گذشته عیان می‌شود، حفظ شود (MEXICO CHARTER, 1999). منشور ونیز (VENICE CHARTER, 1964)، سند نارا (NARA DOCUMENT, 1994) و توصیه‌نامه‌های بسیار دیگری نیز بر ضرورت‌ها و بایدهای حفاظت از «امر اصیل» تأکید دارند. همچنین به نظر می‌آید چنانچه تعارضی میان ارزش‌ها — برای نمونه ارزش‌های کالبدی و فضایی بافت و ارزشمندی حضور ساکنان فعلی در بافت — بروز یافت رجوع به مقوله «اصالت» می‌تواند ملاکی برای اولویت‌بندی باشد. امری که از مفاد گفتارهای زمینه‌ای (جدول ۱) مستفاد

وجود دارد.^{۲۰} در رویکرد تضاد که از رویکردهای مهم در بررسی مسائل اجتماعی است چنین فرض می‌شود که در کار کسانی که از منافع و ارزش‌های خود در مقابل ارزش‌ها و منافع دیگر گروه‌ها دفاع می‌کنند هیچ اشکال و نابسامانی‌ای وجود ندارد. بدیهی است تضادها فرساینده و پرهزینه‌اند و گاهی ارزش‌های مهم‌تر به پای ارزش‌های کم‌اهمیت‌تر فدا می‌شود و راهکار بدون سلطه‌طلبی و معامله‌گری را برای برون‌رفت از این موضوع توافق بین گروه‌ها بر مجموعه‌ای از ارزش‌های والاتر می‌دانند که همه بدان پایبند هستند (رایبگتن، ۱۳۹۳).^{۲۲}

ارزش‌های برجسته فرهنگی گاه مقیاسی جهانی دارد و آنچنان استثنایی است که از مرزهای ملی فراتر رفته و برای بشریت چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آتی اهمیت دارد. این تعریفی است که کنوانسیون میراث جهانی از ارزش برجسته جهانی^{۲۵} ارائه کرده و محافظت دائم از چنین میراثی را برای همه جامعه جهانی بسیار مهم می‌داند (فردانش، ۱۳۸۷). ارزش‌های برجسته در آثار فرهنگی از جمله در بافت‌های تاریخی ارتباطی مستقیم با موضوع اصالت^{۲۶} دارد (حناچی و فدایی‌نژاد، ۱۳۹۰)، از این روست که معیارهای تعیین‌شده از سوی کمیته میراث جهانی برای تبیین برجستگی ارزش‌ها در مقیاس جهانی توجهی ویژه به این موضوع می‌کند (UNESCO, 2005). توجه به مقوله اصالت در منشورهای جهانی حفاظت از موارث فرهنگی به‌عنوان مبنای اصلی مداخله در مکان‌ها و بافت‌های تاریخی تأکید شده است. امری که بر حفاظت از ارزش‌های منحصر به فرد

(ماهروزاده، ۱۳۸۴). می‌توان در این زمینه به آرای کانت و فلاسفه نوکانتی نظیر ویندل باند (۱۹۸۴-۱۹۱۵) اشاره کرد.

²³ Outstanding value

²⁴ Cultural significance

²⁵ Outstanding universal values (ouv)

²⁶ Authenticity

²⁰ value conflict

^{۲۱} دیالکتیک تز، آنتی تز و سنتز متأثر از آرای گنورگ ویلهلم فریدریش هگل از مهم‌ترین مباحثی است که پیرامون تضاد ارزش‌ها قابل‌بحث است.

^{۲۲} شناخت ارزش‌ها، تعیین نسبت آن با واقعیت و حقیقت و همچنین دسته‌بندی و مرتبه‌بندی میان ارزش‌ها اساسی‌ترین موضوعات فلسفی است

به فراخور سلیقه ساکن فعلی در بافت تاریخی ونیز یا ماسوله به تناسبات، جنس، طرح و شکل بازشوهای بناها در این بافت تاریخی خلل وارد کرد.

درنهایت ضمن پذیرش تضاد ارزش‌ها، به‌عنوان یک اصل، جمع‌بندی گفت‌وگوهای زمینه‌ای بر آن است تا مبتنی بر ارزش‌های اصیل و برجسته تضاد ارزش‌ها را به سمت تعادل سوق دهد. دو عبارت کلیدی در جدول ۲ حاصل گفت‌وگوهای زمینه‌ای بر این امر تأکید می‌کند.

می‌شود و در «منشور واشنگتن» با موضوع حفاظت از شهرهای تاریخی نیز تأکید می‌شود. در این منشور آمده است: از هر نوع تهدید و اقدامی، چه با عنوان سیاست عمومی یا سرمایه‌گذاری خصوصی که به اصالت یک شهر یا ناحیه تاریخی آسیب می‌زند باید مطلقاً اجتناب کرد (منشور واشنگتن، ۱۳۸۲). برای مثال زمانی که از اصالت پنجره ونیزی (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۱) یا پنجره ماسوله‌ای (پورعلی، ۱۳۹۵) سخن گفته و در مقیاسی جهانی اصیل شناخته می‌شوند. بدیهی است که نمی‌توان صرفاً

جدول ۲. تخلص از گفتار زمینه‌ای با موضوع تضاد ارزش‌ها

بافت تاریخی را باید در ذیل تعادل پویا تعریف کرد. این نوع تعادل از یک‌سو انسان را به سمت فقدان فعالیت و حفاظت کامل از ارزش‌های تاریخی و اصیل فرامی‌خواند و از سوی دیگر بر زنده بودن زمینه‌های تحرك آدمیان در مکان تأکید می‌کند. تعادل پویا هرچند تضادی عمیق را نشان می‌دهد، اما در ضمن تثبیت الگوی کلی نیروهای اصیل امکان تغییر، تحول و پویایی را فراهم می‌کند.

میان ارزش‌های صلب کالبد بافت تاریخی و ارزش‌های سیال زندگی انسان در بافت تاریخی تضاد وجود دارد و مهم این است که این تضاد ارزش‌ها باید یک اصل پذیرفته شود؛ اصلی که باید به‌سوی تعادل سوق داده شود نه این‌که از بین برود. این تضاد خود یک ارزش و ناشی از ماهیت سیال و پویای زندگی انسان دارد.

عبارت کلیدی: تضاد ارزش‌ها باید بر مبنای ارزش‌های والاتر به سمت تعادل سوق داده شود.

مداخلات معماری در بافت‌های تاریخی در سه مرحله تعیین موقعیت، تهیه و تصویب طرح و فرایند اجرا نیز متأثر از مؤلفه‌های تبیین‌شده است. در بسیاری از مواقع طرح‌های حفاظت و مداخله به‌درستی تهیه و تصویب می‌شود، اما در مراحل اجرا مداخلاتی صورت می‌گیرد که گویی فاقد هرگونه طرح ارزشمندی است. بررسی‌های میدانی و همچنین گفت‌وگوهای انجام‌شده با متولیان^{۲۷} پنج بافت تاریخی در ایران شامل بافت تاریخی تبریز، بافت تاریخی یزد، بافت تاریخی اصفهان، بافت تاریخی میمند و بافت تاریخی ماسوله نشان می‌دهد که بخش مشهودی از نابسامانی‌های کالبدی و فضایی موجود طی سال‌های گذشته در این سایت‌ها بیشتر ناشی از ناآگاهی متولیان، مالکان، استادکاران و طراحان از ارزشمندی ویژگی‌ها و نیز چگونگی کاربست ارزش‌های تاریخی در شرایط معاصر است. با این حال عموماً اولین بناهای ضدارزشی که در بافت‌های تاریخی کارشناسان و مصاحبه‌شوندگان به آن توجه می‌کنند عامل اقتصاد سیاسی فضا پستوانه آن است (جدول ۵).

ضدیت بیشتر در برابر ارزش‌ها و کثرت نوسازی‌های

بی‌ارزش

از دیگر نتایج گفتارهای زمینه‌ای چنین تفسیر می‌شود که هرچند نوسازی‌های بی‌ارزش متأثر از عامل اقتصاد سیاسی فضا در بافت‌های تاریخی در «ضدیت بیشتری با ارزش‌ها» است، فقدان تفاهم بر ارزش‌های برجسته بافت‌های تاریخی و کمبود توافقات قانونی در این زمینه در «کثرت نوسازی‌های بی‌ارزش» در بافت‌های تاریخی نقش چشمگیرتری دارد؛ نوسازی‌هایی که از منظر ارتفاعی، سطوح اشغال و تراکم در تضاد جدی با شکل و الگوی ارزشمند بافت‌های تاریخی شکل گرفته و می‌گیرد، عموماً با بهره‌گرفتن از قدرت اقتصاد سیاسی فضا ایجاد شده و می‌شود. با این حال تعداد واحدهای ساختمانی ضدارزش ایجادشده متأثر از این عامل در بافت‌های تاریخی میزان کمتری از تعداد ساختمان‌های بی‌ارزشی دارد که به دلیل ناآگاهی طراحان، بهره‌برداران و مجریان قانون از ارزش‌های بافت تاریخی شکل گرفته و می‌گیرد (جدول ۳ و ۴).

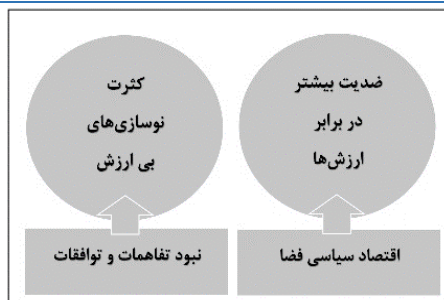
۲۷. مدیران پایگاه‌های میراث ملی و جهانی / معاونت میراث فرهنگی

جدول ۳. تخلص از گفتار زمینه‌ای با موضوع تفاهم اجتماعی

بخش مشهودی از امور ساخت‌وساز ایران در اختیار افرادی است که عملاً در هیچ بخشی از دوران تحصیلات یا تجارب حرفه‌ای‌شان فرصتی منظم و تعریف‌شده برای آشنایی با ارزش‌های بافت تاریخی نداشته‌اند و به جرئت می‌توان گفت در میان آن گروه اندک مطلع از ارزش‌های بافت‌های تاریخی نیز اجماع نظر در چگونگی کاربری ارزش‌ها در طراحی معماری معاصر دیده نمی‌شود.

عبارت کلیدی: فقدان تفاهم اجتماعی نابسامانی‌های جدی را در بافت‌های تاریخی ایجاد می‌کند.

جدول ۴. تبیین نقش اقتصاد سیاسی فضا و تفاهم اجتماعی در شکل بافت‌های تاریخی



ناآگاهی افراد از ارزش‌ها نقش بسیار مؤثرتری از دیگر عوامل در کثرت نوسازی‌های بی‌ارزش دارد.

نوسازی‌هایی که ضدیت بیشتری با ارزش‌های بافت تاریخی دارد توسط عوامل پشت‌پردهٔ سیاسی - اقتصادی پشتیبانی شده‌اند.

جدول ۵. تخلص از گفتار زمینه‌ای با موضوع اقتصاد سیاسی فضا

برای رفع موانع ثبت جهانی میمند نزدیک به پانزده ساختمان ناهماهنگ وجود داشت که بسیار چهرهٔ زشتی برای بافت روستا ایجاد کرده بودند و لازم بود که بهسازی یا تخریب شوند. از میان این بناها ناهماهنگ‌ترین آنها ساختمان‌های اداری از جمله ساختمان اداری متعلق به یک بانک نزدیک مسجد روستا بود. البته ساختمان‌های مسکونی هم بودند که با مصالح ناهمگون با بافت ایجاد شده بودند.

طی سال‌های گذشته تعداد ساختمان‌های بسیار ناهمگون در ماسوله از نظر ارتفاع، تعداد طبقات و مکان‌یابی نادرست که می‌توان ضدارزش نامید تقریباً ۸ بنا و ساختمان‌های ناهمگون در مصالح، جزئیات اجرایی، شکل نما و معماری داخلی که می‌توان بی‌ارزش قلمداد کرد بالغ بر ۱۰۰ بنا بوده است. ساختمان‌های دستهٔ اول عموماً کاربری سیاسی، اداری داشتند و دستهٔ دوم عموماً خانه‌های مسکونی بودند.

ایجاد ساختمان‌های اداری با پشتوانه سیاسی - اقتصادی

اقتصاد سیاسی فضا قابل بحث است، اما فحوای گفت‌وگوها حکایت از ناآگاهی مسئولان تقسیم بودجه در اولویت‌بندی حفاظت بافت‌های تاریخی دارد؛ از این رو این امر می‌تواند ذیل تفاهمات و توافقات اجتماعی جای بگیرد (جدول ۶).

نگاه حاکمیت سیاسی و اداری در تخصیص بودجه و اعتبارات مربوط به حفاظت بافت‌های تاریخی از دیگر نکاتی است که به‌عنوان عامل مؤثر بر حفاظت بافت‌های تاریخی در گفت‌وگوهای زمینه‌ای به آن اشاره شده است. این موضوع هرچند از منظر

جدول ۶. تخلص از گفتار زمینه‌ای با موضوع تفاهم اجتماعی

حفاظت بافت تاریخی... با مشکل کمبود اعتبار مواجه است، این در حالیست که در همین استان اعتبارات دولتی مربوط به موزه... با کل اعتبارات حفاظت بافت‌های تاریخی استان، بالغ بر ۲۰۰۰ اثر تاریخی، برابری می‌کند. علاقه‌مندی مسئولان و توجیه آنان به ارزش‌های موزه (؟) تأثیر بسیاری بر تخصیص اعتبارات دولتی برای توسعه و حفاظت این موزه دارد. جالب است که قدمت این موزه و آثار به‌نمایش درآمده در آن به کمتر از ۱۳۰ سال می‌رسد، در حالی که بناهایی با قدمت بالای ۴۰۰ سال در همین استان با کمبود اعتبارات جدی برای حفاظت مواجه‌اند.

کلیدواژه‌ها: علاقه‌مندی مسئولان/ نقش تفاهم اجتماعی بر تخصیص اعتبار عمرانی بیشتر و حفاظت بهتر

دهه‌های اخیر بوده است. تاریخ حفاظت معماری نیز نشان می‌دهد از دیرباز میان صاحب‌نظران نظریه مدرن حفاظت دیدگاه‌های مختلفی در این باب ظهور کرده و تاکنون نیز

نتیجه‌گیری

«حفاظت» از بافت‌های تاریخی، چپستی، چرایی، چگونگی انجام آن از چالش برانگیزترین موضوعات طی

تاریخی، به دلیل ناآگاهی و تفاهم بر ارزش بافت‌های تاریخی و کاربست آنها، در شرایط زندگی معاصر وجود دارد. نگاه حاکمیت سیاسی و اداری در تخصیص بودجه و اعتبارات مربوط به حفاظت بافت‌های تاریخی از دیگر نکاتی است که به‌عنوان عامل مؤثر بر حفاظت بافت‌های تاریخی در گفت‌وگوهای زمینه‌ای به آن اشاره شده است که ناآگاهی مسئولان تقسیم بودجه عمرانی کشور را در اولویت‌بندی حفاظت بافت‌های تاریخی نشان می‌دهد.

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی برون‌دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان و اداره کل امور پایگاه‌های میراث فرهنگی به شماره ۹۵۲۵۰۰/۴۲۳۷۲ مورخ ۱۳۹۵/۵/۲ است. با سپاس از آقای دکتر فلامکی، آقای مهندس مجابی، آقای مهندس بهشتی، آقای دکتر طالبیان، آقای دکتر قلی‌نژاد، خانم دکتر اشرفی و خانم دکتر کاظم‌زاده اساتید و صاحب‌نظرانی که در گفت‌وگوهای زمینه‌ای نگارنده را همیاری کردند.

منابع مالی

منابع مالی این مطالعه توسط نویسندگان تهیه شده است.

تعارض منافع

بین نویسندگان هیچ‌گونه تعارضی وجود ندارد

ادامه دارد. با این حال مبتنی بر آرای منشورهای بین‌المللی و پذیرش اصل حفاظت این نوشتار به دنبال تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر حفاظت بافت‌های تاریخی است. برای این منظور تلاش شد تا با نگاهی راهبردی ضمن مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای به روش زمینه‌ای مؤلفه‌های مفروض در گفت‌وگوها، مصاحبه‌ها، مشاهده مشارکتی و غیرمشارکتی و تجارب شخصی پژوهشگر در بستر واقعی تفسیر شود. مؤلفه‌های مفروض نوشتار عبارت است از: (۱) تفاهمات و توافقات اجتماعی و (۲) اقتصاد سیاسی فضا.

نتایج پژوهش تأکید دارد که در هر نوع طرح و اقدام برای مداخله در بافت تاریخی لازم است حفاظت از اصالت‌ها سرلوحه اقدامات قرار گیرد. با این حال به نظر می‌رسد متأثر از مؤلفه‌های مفروض ضمن حرمت‌گذاری و مستندسازی همه ارزش‌ها باید به اولویت‌بندی دست زد؛ موضوعی که باید توسط کارشناسان زبده و متخصص صورت پذیرد. همچنین علی‌رغم پذیرش نقش بسیار مؤثر جریان حاکم بر اقتصاد سیاسی فضا در تولید فضاهای ضدارزش در بافت‌های تاریخی فقدان تفاهم بر ارزش‌های برجسته بافت‌های تاریخی و کمبود توافقات قانونی در این زمینه در «کثرت نوسازی‌های بی‌ارزش» در بافت‌های تاریخی نقش چشمگیرتری دارد. بررسی‌ها در چند بافت تاریخی در ایران نشان می‌دهد که با فرض فراهم آمدن همه شرایط مناسب اقتصادی - سیاسی برای تولید فضاهای بالارزش در بافت‌های تاریخی امکان خلق فضاهای معماری ارزشمند دست‌کم در نوسازی بافت‌های

References

Gullino P, Larcher F. (2013). Integrity in UNESCO World Heritage Sites. A comparative study for rural landscapes. *Journal of Cultural Heritage*. Sep 1;14(5):389-95. In <https://www.sciencedirect.com> دسترسی در تاریخ ۱۳۹۷/۳/۲۰

Heidegger, M. (1971). Poetry, Language, Thought. Trans. Albert Hofstadter, New York, Harper & Row, Publishers, Inc:150.

THE BURRA CHARTER 2013 - www.australia.icomos.org. دسترسی در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۱۱

THE VENICE CHARTER 1964, INTERNATIONAL CHARTER FOR THE

CONSERVATION AND RESTORATION OF MONUMENTS AND SITES. www.icomos.org/charters/venice_e.pdf دسترسی در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۱۱

THE MEXICO CHARTER 1999, CHARTER ON THE BUILT VERNACULAR HERITAGE ,

https://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Charters/vernacular_e.

دسترسی در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۱۱

THE NARA DOCUMENT, 1994 , THE NARA DOCUMENT ON AUTHENTICITY , <https://www.icomos.org/charters/nara-e.pdf> . دسترسی در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۱۱

UNESCO (2005). The Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention Of:

<http://whc.unesco.org/en/guidelines>. دسترسی در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۱۱

<https://www.merriam-webster.com/dictionary/indigenous>

<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/indigenous>

افراخته، افراخته، حسن؛ محمد حجی‌پور (۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی فضا و تعادل منطقه‌ای در ایران. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره ۱۴. تهران: دانشگاه خوارزمی.

اکرلاف، جرج؛ راشل کرانتون (۱۳۹۵). اقتصاد هویت. ترجمه مهدی فیضی. چاپ اول. نشر نگاه معاصر.

برنسی، اولیویه، فانتزی خردگرایی کامل، لوکوربوزیه و طراحی پاریس، ترجمه عاطفه اولیایی، بازیابی شده در ۱۳۹۶/۵/۱۱ از <http://anthropoogyandcuure.com/>

پیران، پرویز (۱۳۷۰). دیدگاه‌های نظری در جامعه‌شناسی شهر و شهرنشینی. نشریه اطلاعات اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۵۱ و ۵۲.

پورعلی، مصطفی (۱۳۹۵). خلاصه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی گیلان. معاونت میراث فرهنگی کشور.

پیکاک، آلن (۱۳۸۲). پیش به سوی یک سیاست عملی در حوزه میراث فرهنگی. ویراسته مایکل هاترز و ایلد ریزو. ترجمه علی اعظم محمدبیگی. نشر امیرکبیر.

پیگناتارو، جیاکمو و ایلد ریزو (۱۳۸۲). اقتصاد سیاسی احیای میراث فرهنگی: مورد صومعه بندتینی. مجموعه جنبه‌های اقتصاد میراث فرهنگی. تهران: نشر امیرکبیر.

تامس، آلن (۱۳۸۳). ارزش چیست؟ ترجمه عزت‌الله فولادوند. نشریه بخارا، شماره ۳۷. تهران: انتشارات بخارا.

چراغچی، سوسن (۱۳۷۹). منشورهای بین‌المللی در حفاظت. نشریه اثر، شماره ۳۱ و ۳۲. سازمان میراث فرهنگی کشور.

چلبی، مسعود (۱۳۷۲). وفاق اجتماعی. نشریه مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۶. دانشگاه تهران.

حجت، مهدی (۱۳۸۰). میراث فرهنگی در ایران، سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی. تهران: نشر سازمان میراث فرهنگی کشور.

حناچی، پیروز؛ سمیه فدایی‌نژاد (۱۳۹۰). تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت‌های فرهنگی - تاریخی. نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، شماره ۴۶.

تاریخی. نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، شماره ۴۶. دانشگاه تهران.

دهخدا، لغت‌نامه.

رابینگتن، ارل؛ مارتین واینبرگ (۱۳۹۳). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی. ترجمه رحمت‌الله صدیق سروسستانی. نشر دانشگاه تهران.

سعیدی صابر، حامد (۱۳۸۹). اقتصاد هترودکس گذری بر اندیشه‌های اقتصادی انتقادی به‌ویژه اقتصاد سیاسی. نشریه سوره اندیشه، شماره ۴۶ و ۴۷. نشر سوره مهر.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۸). اصول فلسفه و روش رئالیسم. تشریح مرتضی مطهری. نشر اسلامی.

شعله، مهسا (۱۳۹۵). معیارهای متن‌بودگی شهر و روش‌شناسی تحلیلی آن. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴، دوره سوم، نشر دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۹۰.

شیروانی، مریم؛ حسین احمدی؛ رسول وطن‌دوست (۱۳۹۵). بازشناسی ارزش و عوامل تأثیرگذار در دگرگونی دیدگاه‌های ارزشی در حفاظت میراث فرهنگی در قرن حاضر. نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، شماره ۴، دوره ۲۱. دانشگاه تهران.

فردانش، فرزین (۱۳۸۷). واژگان پایه کنوانسیون میراث جهانی. تهران: دفتر منطقه‌ای یونسکو.

عین‌الفضات همدانی (۱۳۹۳). غایب الامکان فی درایه المکان. ترجمه رحیم فرمنش. چاپ سوم. نشر مولی.

فتحی، رضا (۱۳۹۱). مجموعه مقالات روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی. نشر مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.

فروزنده دهکردی، لطف‌الله (۱۳۷۸). مروری بر مدل‌های برنامه‌ریزی استراتژیک. نشریه دانش مدیریت، سال دوازدهم، شماره ۴۵. دانشگاه تهران.

فلامکی، محمد منصور (۱۳۹۳). گفت‌وگوی شخصی، مطالعات رساله دکتری مصطفی پورعلی.

گروت، لیندا؛ دیوید وانگ (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در معماری. ترجمه علیرضا عینی‌فر. ۱۳۸۸. نشر دانشگاه تهران.

گل‌محمدی، عماد، کفچه، پ. و سلطان پناه، ه. (۱۳۹۲). سبک‌های رهبری و تفکر استراتژیک در سطح سازمانی. نشریه مطالعات مدیریت راهبردی، شماره ۱۵. انجمن مدیریت راهبردی ایران.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). پیامدهای مدرنیت. ترجمه محسن ثلاثی. چاپ پنجم، نشر مرکز.

لک، آزاده (۱۳۹۲). کاربرد نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های طراحی شهری. نشریه صفا، دوره ۲۴، شماره ۱. نشر دانشگاه شهید بهشتی.

ماهرزاده، طیبه (۱۳۸۴). دین و ارزش‌ها از دیدگاه کانت و فیلسوفان نوکانتی. اندیشه‌های نوین تربیتی، شماره ۱، دوره ۱.

تهران: دانشگاه الزهرا.

مبینی، علی، آرزو ربانی (۱۳۹۱). مدیریت راهبردی مبتنی بر ارزش در سطح سازمان. فصلنامه مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۷۰. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

محملی، ابیانه (۱۳۹۰). مقایسه تطبیقی مکاتب مطالعات مورفولوژی شهری به منظور تکمیل آن بر اساس مکتب اقتصاد سیاسی فضا. نشریه آرمانشهر، شماره ۷. دوره ۴. تهران.

معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی معین. نشر امیرکبیر، ۱۳۸۸.

منشور واشنگتن، ۱۹۸۷. «منشور ایکوموس برای حفاظت شهرها و محوطه‌های شهری تاریخی» (۱۳۸۲). ترجمه لیلیا فرهنگ. نشریه هفت‌شهر، سال چهارم، شماره ۱۴. انتشارات شرکت عمران و بهسازی شهری ایران.

نژادابراهیمی، احد؛ محمدرضا پورجعفر؛ مجتبی انصاری؛ پیروز حناچی (۱۳۹۲). ارزش‌ها و ارتباط آن با رویکرد مداخله در آثار فرهنگی - تاریخی. دوفصلنامه مرمت و معماری ایران، سال ۳، شماره ۶. دانشگاه هنر اصفهان.

نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۱). معماری، حضور، زبان و مکان. ترجمه علیرضا سیداحمدیان. انتشارات معمار نشر.

وارن، جان (۱۳۸۷). حفاظت سازه‌های گلین. ترجمه مهرداد وحدتی. نشر مؤسسه فرهنگی ایکوموس ایران، تهران.

هاروی، دیوید (۱۳۹۲). شهری شدن سرمایه (چرخه دوم انباشت سرمایه در تولید محیط مصنوع). ترجمه عارف اقوامی مقدم. چاپ دوم. تهران: نشر دات.

وبر، ماکس، ۱۳۹۰، روش شناسی علوم اجتماعی، ترجمه حسن چاووشیان، نشر مرکز

هایدگر، مارتین (۱۳۷۹). ساختن، باشیدن و اندیشیدن در «هرمنوتیک مدرن». ترجمه بابک احمدی، مهراں ماجر و محمد نبوی. چاپ پنجم. تهران: نشر مرکز.

هایدگر، مارتین (۱۳۸۲). سرآغاز کار هنری. ترجمه پرویز ضیاء شهبابی. تهران: هرمس.

یوکیلهتو، یوکا (۱۳۸۷ a). تاریخ حفاظت معماری. ترجمه محمدحسن طالبیان، خشایار بهاری. چاپ اول، نشر روزنه، تهران، ۱۳۸۷.

یوکیلهتو، یوکا (۱۳۸۷ b). توضیح واژه‌های تخصصی در پیوست کتاب تاریخ حفاظت معماری. ترجمه محمدحسن طالبیان. تهران: نشر روزنه.